

تنبیه بدنی دانش آموزان در چند روز اخیر خبرساز شده است!



▼ **اقتصاد با توصیه اخلاقی سامان نمی‌گیرد**

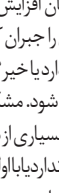
مهدی پازوکی، کارشناس اقتصادی نیز در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره سخنان رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه «با ۱۰ درصد صرفه‌جویی در مصرف انرژی می‌توانیم روزانه ۸۰۰ الی ۹۰۰ هزار بشکه نفت را ذخیره کنیم» تأکید کرد: «صرفه‌جویی نکته مهمی است اما مفاعلات ارسد جمهوری اسلامی باید متوجه باشند که با توصیه‌های اخلاقی نمی‌توان مصرف را کاهش یا افزایش داد. اگر بر اساس مبانی کارشناسی و علمی بر خورد کنیم، یکی از متغیرهای مهم اقتصادی «شاخص قیمت» است. زمانی که عرضه یک کالا افزایش می‌یابد و قیمت آن بالا می‌رود، قطعاً تولیدکنندگان برای تولید بیشتر تشویق می‌شوند و بر عکس؛ وقتی قیمت‌ها پایین می‌آید و حتی از هزینه تولید کمتر می‌شود، برای تولیدکننده مقرون به‌صرفه و اقتصادی نیست. این یک اصل علمی است که در همه جای دنیا جاری است. مصرف‌کننده خواهان بهترین کالا با کمترین قیمت است. اگر رفتار مصرفی فردی خلاف این باشد، قطعاً غیرعقلانی است. بنابراین باید با متغیرهای اقتصادی و بر اساس مبانی علمی و کارشناسی برخورد کرد.» او افزود: «در حال حاضر قیمت‌ها در نسبی در کشور حاکم نیست. در ژانویه ۱۳۹۰ یعنی کمتر از ۲۶ دلار و معادل سه پیرس غذای رستورانی است. یعنی نسبت یک پاک‌بنزین به غذا یک به غذا یک است. اما در ایران قیمت ۳۰ لیتر بنزین، ارزش خرید یک ساندویچ را هم ندارد.

اشکالات حوزه‌های علمیه این است که تصور می‌کنند با توسعه اخلاقی می‌توان اقتصاد را سامان داد، گفت: «در حالی که وقتی اقتصاد دچار مشکل می‌شود، اخلاقی نیز در جامعه آسیب می‌بیند. باید سیستم اقتصادی را بر اساس مبانی علمی و کارشناسی و با استفاده از تجربه‌های بشری اصلاح کرد. وقتی سیستم اصلاح شد، می‌توان از فقر پیشگیری، بارانها را دهبفند و به طبقات و اقشار آسیب‌پذیر کمک کرد.» این کارشناس اقتصادی تأکید کرد: «در حال حاضر هوای آلوده و ناسالم شهر تهران به نقطه نازنجی رسیده است. چون دولت به مصرف بیشتر بارانه می‌دهد. دولت اعلام کرد بنزین را الیتری ۵ هزار تومان می‌خرد و ۱۵۰۰ تومان می‌فروشد.» از سال ۱۳۹۸ تاکنون قیمت بنزین ثابت است؛ یعنی کاهش پیدا کرده است امروز ارزش ۱۵۰۰ تومان سال ۱۳۹۸ به دلیل تورم و کاهش قدرت خرید امروز کمتر از ۳۰۰ تومان است. اگر قیمت بنزین واقعی شود. اما حمل‌ونقل عمومی رایگان یا بسیار ارزان باشد، این به نفع عموم مردم است. اکنون حدود ۵۰ درصد مردم ایران، خودرو ندارند، اما کسانی که دو یا چند خودرو دارند بیشتر از بارانه سوخت بهره می‌برند. متأسفانه در جامعه تفکر پوپولیستی غالب شده است و به محض اینکه از واقعی شدن قیمت‌ها صحبت می‌شود موضوع کیفیت بد خودروها را پیش می‌کشند. به‌جای اینکه دلار صرف سرمایه‌گذاری و واردات تکنولوژی برای تولید خودروی باکیفیت شود، صرف واردات بنزین می‌شود. رئیس سازمان برنامه اعلام کرده که در سال ۱۳۹۸ شش میلیارد دلار بنزین صادر می‌کردیم، اما اکنون شش میلیارد دلار وارد می‌کنیم. در حقیقت کشور کار دارد می‌دهد.» او افزود: «اگر مسئولان ارشد کشور بخواهان ثبات اقتصادی هستند، به نظر من بهترین راه حل برای اداره جامعه کنترل تورم است. مهم‌ترین شاخص ثبات اقتصادی، کنترل نرخ تورم است که زندگی مردم را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از دلایل اصلی تورم هم پولپرلیسم و اقتصاد دستوری است که مخارج دولت را به شدت بالا برده است. در دهه ۶۰ افزایش حقوق کمتر از ۵ درصد بود اما تورم حدود ۱۲ درصد بود. متوسط تورم بالای ۴۲ درصد و تورم موادغذایی در سال‌های اخیر بالای ۹۰ درصد است. این یعنی جامعه به‌شدت در حال فقیر شدن است.» پاروکی با اشاره به این که دولت برای موفقیت

چرخه منفی می‌شیم که باعث افزایش دستمزدها و تبع آن افزایش تورم می‌شود. حتی تورم بیشتر از دستمزدها بالا می‌رود. بنابراین هدف اصلی و قدرت دولت باید صرف کنترل تورم شود و با فروش از اموال مزاحم، کسری بودجه را جبران کند. کسری بودجه مهم‌ترین عامل تورم است. بانک مرکزی در شرایط کسری بودجه، خلق پول می‌کند. بانک مرکزی وابسته به دولت است و یکی از بزرگترین مشکلات این است که مستقل عمل نمی‌کند. «او درباره بازار بورس نیز تأکید کرد: «اگر واحدهای تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی سودده باشند عملاً به ثبات اقتصادی و رونق بازار بورس کمک می‌کند. اما من با رونق به صورت مصنوعی از طریق دخالت و خرید سهام از سوی دولت و بانک‌ها به شدت مخالف هستم. دولت باید بنگاه‌های اقتصادی را از طریق سیاست‌گذاری بخردانه و اعطای مشوق‌ها به سوی خرید و استفاده از تجهیزات مدرن، بهره‌وری بالا و افزایش تولید سوق دهد. اما در حال حاضر بزرگترین مشکل و معضل اقتصاد ایران بی‌ثباتی اقتصادی است که از طریق شاخص تورمی که دور زندگی مردم را تنیده قابل شناسایی است. بنابراین کشور به مدیران کارآمدی نیاز دارد که با معضلات اقتصادی مقابله کارشناسی کنند. تکنولوژی و تجهیزات هم یک موضوع غیر قابل دسترس نیست. سیستم بانکداری ۴۰ سال از دنیا عقب است و با روش سنتی نمی‌توان ثبات ایجاد کرد. بانک‌ها کلیات سرمایه لازم را ندارند و خبری که بانک‌ها زده‌اند تا بانک ثبتان، بانک مرکزی ایران وقتی استرالیا پیش می‌آید که صندوق دار دولت نباشد بلکه طبق قانون باید مسئول حفاظت ارزش پول ملی باشد. وظیفه‌ها و مسئولیت‌های کنترل تورم است. این کارشناس اقتصادی با اشاره به تجربه گذشته و بیان اینکه در دولت محمد خاتمی روند تورم کاهش می‌یافت و روند رشد اقتصادی، افزایش شد، بیان کرد: «در آن زمان نرخ بیکاری هم کاهش یافته و روند سرمایه‌گذاری رشد کرده بود، چرا که اقتصاد از انضباط نسبی بر خوردار بود. آقای محمد ستاری فر، رئیس وقت سازمان برنامه و بسطیاری از ردیف‌های اضافی بودجه مخالف می‌کرد. به عنوان مثال دانشگاه مصطفی‌العالیه ۳ میلیارد تومان درخواست کرده بود، آقای ستاری فر اما هیچ بودجه‌ای به آن اختصاص نداد. توجه کنید که از ۳ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۰ صحبت می‌کنیم. مثال دیگر تعداد واحدهای دانشگاهی در پایان دولت احمدی‌نژاد نسبت به پایان دولت خاتمی سه برابر شد. یعنی ۱۲۰ واحد دانشگاهی به بیش از ۳۵۰ دانشگاه افزایش پیدا کرد. معنی زیاد شدن دانشگاه‌ها افزایش علم نیست بلکه به معنای گسترش غیر ضروری «کارخانه‌های مدرک‌سازی» است. به نظر من ستاد انقلاب فرهنگی نه تنها به گسترش فرهنگ مستقل ایرانی-اسلامی کمک نکرده است بلکه باعث شبیخون فرهنگی شده و از طریق کارخانه‌های مدرک‌سازی مخارج دولت را افزایش داده است.» یازوکی با تأکید بر اینکه اقتصاد ایران به شدت از سه نوع بی‌انضباطی رنج می‌برد، گفت: «اول، بی‌انضباطی پولی، دوم، بی‌انضباطی اداری (پارتی‌بازی) و سوم، بی‌انضباطی مالی که در سندها بودجه کاملاً قابل مشاهده است. یعنی ما به از آن‌ها بی بودجه می‌دهیم که نباید به آنها بودجه بدهیم و آقای رئیس جمهور هم از این موضوع مطلع است. بنابراین رئیس جمهور باید در بودجه ۱۴۰۵ برای این انحرفات بایستد، هر چند اقتدار تریابی دارد.»

تأمین مالی شرکت‌ها، گفت: «حدود ۲۰ سال پیش شرکت‌ها ۱۰ درصد نیاز نقدینگی شان را برای سرمایه در گردش از بانک‌ها تأمین می‌کردند؛ به‌نجو که ۵۰ درصد آن صرف سرمایه در گردش و ۵۰ درصد صرف توسعه پروژه‌ها می‌شد. بین‌روند به جایی رسید که ۱۰ سال پیش نسبت تأمین مالی به حدود ۸۰ و ۲۰ رسید. اکنون اما وضعیت به گونه‌ای شده که شرکت‌های بیش از منابعی که از بانک‌ها دریافت می‌کنند، برای سرمایه در گردش نیاز دارند؛ بنابراین برای توسعه پروژه‌ها، تنها مسیر ممکن ورود به بازار سرمایه است و ما در حال فراهم کردن این امکان از طریق انتشار اوراق هستیم». صدی با بیان اینکه عرضه یک اوراق پنج‌هزار میلیارد تومانی را برای یکی از پالایشگاه‌های بزرگ کشور آغاز می‌کنیم تا تأمین مالی آن انجام شود و امیدواریم این روند موجب رشد بازار شود، بر ضرورت افزایش پیش‌بینی‌پذیری بازار تأکید کرد: «فعالان بازار انتظار دارند بازار پیش‌بینی‌پذیرتر شود و عدم قطعیت‌ها کاهش پیدا کند. یکی از عوامل مهم، حذف یا کاهش قیمت‌گذاری دستوری است که بازار را اذیت می‌کند. عامل دیگر، ناترازی‌ها در حوزه گاز و برق است که به‌نگاه‌ها طعمه وارد کرده. می‌دانیم رفع کف ناترازی در شرایط فعلی بسیار دشوار است؛ اما انتظار داریم که حداقل تولید و بخش واقعی اقتصاد آسیب نبینند. آنچه اوراق بازار بهادار و بورس منعکس می‌کند، خرده‌های بخش واقعی اقتصاد است. اگر قطع گاز صنایع کمتر و برنامه‌ریزی شده باشد، نه ناگهانی و طولانی، می‌توانیم بازاری بالنده و پایدار داشته باشیم.»

▼ بودجه سندرسمی توزیع رانست است



حمیدرضا قاسمی، کارشناس اقتصادی در گفت و گو با

هم‌میهن درباره راه‌های پیشگیری از روند کسری بودجه در شرایط کنونی کشور، تاکید کرد: «قطعاً راه وجود دارد، در قوه مجریه و همچنین سایر قوا، نهادهای فرهنگی، مذهبی و... ردیف‌های بودجه‌ای بسیاری داریم که می‌توان در آن‌ها صرفه‌جویی کرد، حالا که امکان افزایش درآمد‌ها وجود ندارد، حداقل می‌توان با کاهش هزینه‌ها این کسری را جبران کرد. اما مهم‌ترین بحث این است که آیا برای این هدف برنامه‌ای وجود دارد یا خیر؟ اگر برنامه‌ای وجود دارد، باید روش‌های اجرایی دقیقی هم برای آن ارائه شود. مشکل این است که بودجه به سندی رسمی برای توزیع رانست تبدیل شده و بسیاری از دستگاه‌ها بودجه‌هایی دریافت می‌کنند که «ما به‌آزاد واقعی» در معدن دارند یا با اولویت‌ها و محران‌های کنونی هم‌خوانی ندارد. یعنی اولویت‌سنجی وجود ندارد، به همین دلیل این کار یک عزم قوی نه فقط در قوه مجریه، بلکه در کل حاکمیت که با تصمیم‌گیری و اولویت‌سنجی درست برای بقای کشور دشده که برخی ردیف‌هایی که کارکردی ندارند و حتی به خشم عمومی انجامیده را کاهش دهد. باید در بسیاری از ردیف‌های بودجه بازنگری شود. البته این کار سختی است و نیاز به تلاش بسیار دارد. طبیعتاً با شعار، سخنرانی و دستورالعمل هم مسئله حل نمی‌شود. حذف بسیاری از ردیف‌های بودجه حتی می‌تواند کسری بودجه را به صفر برساند.» او در پاسخ به این سوال که حضور ایران در اجلاس‌های بریکس، شانگهای و اوراسیا می‌تواند راه‌فاری از تحریم‌ها و مسیر جذب سرمایه‌گذار باشد؟ گفت: «عضویت در این اجلاس‌ها خوب است، اما جهان نظم خود را دارد و خارج از آن نظم، حتی با عضویت در این پیمان‌ها تأثیرگذاری لازم ایجاد نمی‌شود. عضویت ایران در شانگهای و سایر پیمان‌ها اثر قابل توجهی نداشته است، چون در جامه جهانی تعیین کننده نیستیم، ما کالای با ارزشی تولید نمی‌کنیم که جهان به آن وابسته باشد و تحریم‌ها را ناییده بگیرد. تنها مدرن‌کننده خود خام نفت، گاز و آهن‌آلات با پیچیدگی پایین هستیم و در مقابل، در تداوم ایران بسیار حیاتی و غیرقابل حذف است. یعنی در تحریم‌ها خودکفا نیستیم و بسیار وابسته به صادرانیم، با این شرایطی که داریم باید به سمتی حرکت کنیم که نظم جهانی ما را بپذیرد تا اثرگذاری حضور در این اجلاس‌ها چندین برابر شود.» قاسمی در پاسخ به این سوال که آقای پزشکیان از شفافیت به عنوان ابزار عبور از بحران یاد کرده است، آیا امکان شفافیت اقتصادی در ایران وجود دارد؟ تاکید کرد: «این صحبت‌ها بیشتر گفتار درمانی است. این موضوعات بر کسی پوشیده نیست اما چه کسی باید این موضوع را پیگیری کند که رئیس قوه مجریه آن را بمان می‌کند؟ اگر قوه مجریه ناتوان است باید اعلام کند. اما اگر شفافیت فقط برای مردم و بخش خصوصی باشد اما در جاهای دیگر نه تنها وجود نداشته باشد بلکه بهانه‌هایی بترانیم که اگر کسی سمت شفافیت یا سوت‌زنی رفت باید مجازات شود؟ «چون در زمین دشمن بازی کرده است.» شفافیت برای همه خوب است اما وقتی عنوان می‌شود، بیشتر در حد شعار باقی می‌ماند و شفافیت برای ایرانی دیگران اقل هستند نه تمام آنان. اگر کسی به این سمت برود هم مصونیتی ندارد که عمل سوت‌زنی را به خود اختصاص دهد. با توجه به جنگ ۱۲ روزه و موضوعات جاسوسی و بهانه‌هایی که پس از آن به وجود آمد فکر می‌کنم شفافیت کمتر می‌شود. این موضوع برای سخنرانی خوب است اما باید در عمل شاهد اجرای آن باشیم. برای ارتقا رتبه‌های شفافیت شاخص‌هایی در سطح جهانی و کشوری وجود دارد. اما این اتفاق نمی‌افتد و حرفه‌های کلیشه‌ای دردی را درمان نمی‌کنند.» این کارشناس اقتصادی درباره خروج سرمایه در زمان «نه جنگ، نه صلح» نیز بیان کرد: «قطعاً این اتفاق می‌افتد چون سرمایه‌گذار هم صبری دارد. از جایی به بعد اثر این وضعیت از جنگ بدتر است. در جنگ تکلیف مشخص است اما رکود در اقتصاد سیاسی که به عنوان «نه جنگ، نه صلح» از آن یاد می‌شود، شرایط برزخی است. وقتی گاهی برای تغییر وضعیت «نه جنگ، نه صلح» برداشته نشود طبیعتاً سرمایه‌گذار به این نتیجه می‌رسند که باید سرمایه‌هایش را خارج کند؛ اما این اتفاق نمی‌افتد و کشورها اطراف برای سرمایه‌گذاران فرسوز قریب‌تر کرده و مصونیت مالیاتی و امنیتی اقتصادی برای آنها فراهم می‌کنند. هر طور دوستی هم به این نتیجه می‌رسد که حفظ سرمایه‌هایش واجب است.» او در پاسخ به این سوال که آیا طرح رویش می‌تواند سرمایه‌های خرد در دست مردم را وارد سرمایه بازار کند؟ گفت: «معمولاً «رویش» نیازمند بستر مناسب است. بنابراین باید دید که بستر رویش در کشور مهیاست؟ در کشوری که نرخ بهره رسمی به بالای ۴۵ درصد رسیده رویش در تولید چگونه اتفاق می‌افتد؟ کدام تولیدآور مولدی می‌تواند چنین سودهایی را خلق کند؟ در بازار غیررسمی حتی حرف از نرخ‌های ۷۰ تا ۸۰ درصد است. پس بستر برای فعالیت امور غیرمولد و مستغنی‌باز فراهم است. رویشی که اتفاق می‌افتد کاملاً در امور غیرمولد است. مردم هم دانش و هوش اقتصادی خوبی دارند و با توجه به سیگنال‌های موجود سرمایه‌های خود را خارج کرده و تبدیل به دلار و طلا می‌کنند که امور نامولد است.» قاسمی افزود: «سابقه و ذهنیتی که برای سرمایه‌گذاران بازار سرمایه ایجاد شده هم نوید روزهای خوبی را نمی‌دهد. در کنار تمام موضوعات: تولیدی که وابسته به گاز، برق و آب است و کشور در تمام این زمینه‌ها با ایران روبرو است، می‌تواند زمین باروری باشد برای افرادی که می‌خواهند بذر در این زمین بکارند؟ من فکر نمی‌کنم از این «رویش» چیزی جز «خار» برای بازار سرمایه ایجاد شود.»

امیر جدیدی
عکاس و روزنامه‌نگار

احتمالاً آیام کرنا و خاطرات آن روزها هنوز پس ذهن تان باشد، آن روزها آنقدر ترس به جان مان راه پیدا کرد که بود که میسر و در مانده بودیم. شهرها مثال شهر مردگان شده بودند. پوست دست هایمان رفت از بس که شستیم و الکل زدیم. ماسک هافنس نداشتیمان را بریده بود. امید گوهری بود که نایابتر از همیشه شده بود. یک شب در اوچ استیصال و در ماندگی و ناامیدی دل به دریا زدیم و گفتم با دادا بهر چه می خواهید بشود. ندایی در درونم می گفت که خیر سرت خبرنگاری، مگر جانت عزیز تر از کادر درمان است؟ بالاخره وظیفه حرفه ای ام ثبت این ایام است. به یکی دو تا از همکارانم، آنها که هنوز گرفتار بالای «کوئید» نشده بودند زنگ زدیم و یک دل دله کردیم و به دل شهرها، مریض خانه ها، قیستان ها، مراکز تولید واکسن، کارگاه های تولید ماسک، غسالخانه ها... زدیم. روزهای بعد تصور می کردم نزدیک ترین شرد با مرگ با زاری کرده ام و خدا هوایم را داشته که می توانم با روی زمینش بگذارم و نفسی و اندک شری داشته باشم. از آن ایام یکی دو ماهی نگذشته بود که خابیز بلاخیز آتش گرفت. جوان بودیم و سرمان یاد داشت و به واسطه حرفه مان دنبال مدرسی می دویدیم. دوباره تلفن را برداشتم و با دو تا از رفقایم زدیم به دل کوه. قبل ترش «مرگ از گردن به شما نزدیکتر است» را به چشم دیده و به جان نوشیده بودیم. یک جوهرایی پیش خودمان هول مرگ کمتر به دلمان راه پیدا می کرد. ما سه خبرنگار بودیم که قرار بود از بقایای آتش شب قبل جنگل گزارش بگیریم. پیش خودمان فکر می کردیم تا ته خط خطر را رفته ایم و هر چه که باشد از بالای کوئید بدتر نیست. چشم تان روز بد نبیند به خودمان آمدیم و گرفتار چنان بالایی شدیم که کوئید پیشش مثل عطسه بود. لحظات قرار از دست شعله های آتش چنان هولناک و جانکاه بود که هرگز تصورش را نمی کردیم. مرگ این بار در چشمان مان زده بود و بیخیال نمی شد. تا گرفتار آتش نشو نمی توانی بفهمی این عزیز زیبایی دل را چطور می تواند بالای جان شود. من سال ها خبرنگاری کردم. هر بلایی که سر ایران خودم را رساندم و عکس گرفتم و ثبت کردم. درد مردم را در یادید. خوشی شان را کمتر. افتخار آوار و جسد و بلا دیده ام که نگویو نپرس. اما حقیقتاً عجیب ترین و ترسناک ترین شب زندگی ام شب ماسکاسی از آتش جنگل است. آتش جنگل هولناک است. آتش جنگل مودی است که اگر در بر او ببینی از روزنی بیرون می زندی و زیبایی اش را توی صورت می می کوید. به این آتش ها که فکر می کنید خاموش نمی شود. آتش جنگل سرچشمه ای است که اگر به موقع و با بیل جلوش را نگیری، دیگر با بیل هم خاموش نمی شود. آتش جنگل اگر از دست در برود خدا کمک کند که خاموش شود.



عکس: محراب فرساد/ایسنا